

دانشگاه پیام نور

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان و ادبیات فارسی

«تأثیر سبک خراسانی در شعر اخوان ثالث»

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان و ادبیات فارسی

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر فاطمه کوپا

مؤلف:

زهرا امینی

آبان ۱۳۸۶

پیشکش به:

ستارگان فروزان آسمان زندگیم:

مادرم، آن مهربان شکیبا و پدرم، آن نستوه بزرگوار که راههای همواره خواندن را برایم هموار نموده اند؛ نازنینانی که باران لطفشان بی امان بر وجودم باریده و زانوان خسته ام در تمامی لحظه های زندگی بر قامت استوارشان تکیه زده است.

با ادای سپاس نسبت به یاوریهای ایشان در طی سالیان زندگی و تحصیل، از درگاه خداوند سبحان عزت و سربلندی روزافزون برایشان خواستارم. امید که این اثر ناچیز شادمانی این عزیزان را به همراه داشته باشد.

پیشگفتار:

سرارادت ما و آستان حضرت دوست که هر چه برسرما میرود ارادت اوست

امروزه شاعرو هنرمند خوب، کسی نیست که ارتباطش را با فرهنگ و هنر دیروز کشورش به کلی قطع کند. شاعر نوپرداز خوب کسی است که در عین حفظ ارتباط با هنر و فرهنگ گذشتگان، راه نو خود را بجوید و بزرگترین شاعران و هنرمندان ایرانی در طی قرون، همه همین مسیر را پیموده اند.

مهدی اخوان ثالث بدین لحاظ در میان شاعران معاصر بیشترین امتیاز را دارد. زیرا شعرا و پیوندهای محکم و قاطعی با ادب کهن ایران دارد، چنانکه تا پایان عمر هرگز راضی نمی شود این رشته را یکسره بگسلد. از همین روی است که شعر و لحن حماسی و رو به گذشته او - حتی در اشعار نو و نیمایی - شعر شاعران و سخنوران بزرگ ایرانی را به ذهن متبادر کرده، ما را به یاد گذشته های شکوهمند و دوران عظمت ادب فارسی و حضور استادان زبردست و توانای این مرزوبوم می اندازد.

خواننده شعر او به قدری مجذوب و شیدای این سخن سحرآسا می شود که گویی سفری دور و دراز به اعماق این سرزمین کهن داشته و سرانجام با دستی پر گل و نسرين و ذهنی که سرشار از عظمت و زیبایی پیشینه پرغرورمان است باز می گردد.

اگر بخواهیم راز و رمز این جذبه و نفوذ را که روحمان را به تسخیر خود درآورده در یک عبارت بگنجانیم، باید بگوییم تاثیر مسلم و بی چون و چرا از سبک خراسانی و ادب کهن فارسی. لذا نظر به اینکه این نوع نگرش به ادبیات و تحقیق در آثار ادبی از جنبه سبکی و فرهنگی در ادبیات ما تازگی دارد و به تبع آن انجام پژوهشی درخور و دقیق در این حوزه احساس می شود، آستینهای همتان را بالا زدیم و کوشیدیم تحقیقی که از نظر می گذرانید، میزان تاثیر سبک خراسانی را بر اخوان به شکلی مفید و ارشمنده ارائه نماید.

لازم به ذکر است در میان کتابهای فراوانی که به این منظور مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت، سه کتاب کمک شایانی در به سامان رسیدن کار به حقیر کرد. اول سبک شناسی دکتر محمد جعفر

ج

محبوب که انصافاً درخصوص روشن کردن مسیر و روال کار بسیار مفید و راهگشا بوده است. دیگر دو یادنامه اخوان ثالث به نامهای باغ بی برگی و ناگه غروب کدامین ستاره که به ترتیب توسط آقایان بزرگوار مرتضی کاخی و محمد قاسم زاده با همکاری سحر دریایی تالیف شده بود. به همین دلیل چنانکه در متن ملاحظه خواهید کرد، ارجاع به این سه کتاب به نحو بارزی به چشم می خورد. بنابراین جای دارد از زحمات آن استادان بزرگوار که با بذل وقت گرانبهایشان پیوسته چراغ دانش را فرا روی جویندگان آن می نهند، تشکر و قدردانی نمایم.

در پایان برخود فریضه می دانم از راهنمایی های عالمانه استاد راهنمای فرزانه وارجمندم سرکار خانم دکتر کوپا که در این دوران همچون مادری مشفق و دلسوز با تلاشهای بی شائبه و نکته سنجی های هوشمندانه خود گره های دشوار و پیچیده این رساله را برایم آسان نمودند، کمال تقدیر و سپاسگزاری را اعلام نمایم.

همچنین لازم است مراتب امتنان خود را از رهنمودهای ارزشمند و الطاف بی دریغ دیگر استادان محترم گروه زبان و ادبیات فارسی که در این دوسال افتخار شاگردی در محضرایشان را داشته ام؛ یعنی سروران گرامی آقایان دکتر علی محمد پشتدار، دکتر مجتبی منشی زاده، دکتر سیداحمد امامزاده و نیز تمامی معلمان بزرگ زندگیم اعلام نموده و از درگاه ایزد متعال برای همگی آن عزیزان سربلندی و توفیق هرچه بیشتر مسئلت نمایم. امیدوارم سایه وجود پیررکشان بر سر طالبان علم و معرفت مستدام باشد.

با امید به اینکه ثمره و نتایج این پایان نامه گره ای از کار جویندگان ادبیات بویژه ادب معاصر بگشاید و دیگرانی در این میدان وسیع، گامهای بلندتری بردارند، کلام را با شعری از مولانا به پایان می بریم:

خاک دیگر را بکرده بوالبشر

ای مبدل کرده خاکی را به زر

کار من سهوست و نسیان و خطا

کار تو تبدیل اعیان و عطا

من همه خلمم، مرا کن صبر و حلم

سهو و نسیان را مبدل کن به علم

فهرست مطالب:

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۲	فهرست اختصارات
۳	مقدمه
	فصل اول: پیدایش شعر نو و اوضاع آن در دوره معاصر
۷	۱- شعر فارسی در دوره معاصر
۹	۲- عوامل اصلی تحول و دگرگونی در شعر
۱۰	۳- دوره بندی تاریخی شعر نیمایی
۱۰	۳-۱- دوره اول
۱۱	۳-۲- دوره دوم
۱۲	۳-۳- دوره سوم
۱۳	۳-۴- دوره چهارم
۱۴	۴- وزن و قافیه در شعر کهن و نو
	فصل دوم: زندگی، احوال و آثار مهدی اخوان ثالث
۱۹	۱- زندگینامه
۲۱	۲- آشنایی اخوان با شعر و ورود او به دنیای ادب
۲۴	۳- اخوان، بنیانگذار شعر نو
۲۶	۴- ادوار گوناگون شعراخوان
۲۷	۵- زبان اخوان
۳۲	۶- باستانگرایی
۳۲	۶-۱- باستانگرایی واژگانی
۳۳	۶-۲- باستانگرایی نحوی

۳۳	۶-۲-۱- کاربرد «را» در معنی «برای»
۳۳	۶-۲-۲- کاربرد «را» در معنی «از بهر»
۳۴	۶-۲-۳- به کار بردن مصدرهای مرخم به همراه افعال معین
۳۴	۶-۲-۴- آوردن صفت با فاصله ای چند از موصوف
۳۵	۷- شعر اخوان
۳۷	۸- مجموعه های شعری اخوان
۳۷	۸-۱- ارغنون
۳۸	۸-۲- زمستان
۳۹	۸-۳- آخر شاهنامه
۴۰	۸-۴- از این اوستا
۴۰	۸-۵- زندگی می گوید: اما باز باید زیست
۴۱	۸-۶- در حیاط کوچک پائیز در زندان
۴۲	۸-۷- دوزخ، اما سرد
۴۲	۸-۸- ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم
۴۳	۸-۹- ؟
	فصل سوم: سبک خراسانی و ویژگیهای آن در دوران سامانی و غزنوی
۴۵	۱- سبک، تعریف و انواع آن
۴۶	۲- وجه تسمیه سبک خراسانی
۴۷	۳- سامانیان
۴۸	۳-۱- خصیصه های زبانی، فکری، ساختاری و درون مایه های غالب بر شعر عصر سامانی
۴۹	۴- غزنویان
۵۰	۴-۱- ویژگیهای زبانی، ادبی و ساختاری دوران غزنوی
	فصل چهارم: موارد تاثیر سبک خراسانی در اشعار اخوان
۵۶	۱- نشانه های کهنگی

- ۵۶ ۱-۱- استعمال «کجا» به صورت موصول
- ۵۷ ۲-۱- ایدون- ایدر
- ۵۷ ۳-۱- استعمال الف اطلاق به فراوانی
- ۵۸ ۴-۱- آوردن حرف عطف در آغاز بیت ها یا مصراع ها
- ۵۸ ۵-۱- اماله
- ۵۹ ۶-۱- استعمال واژه های کهنه و نزدیک به صورت مستعمل در زبان پهلوی
- ۶۰ ۷-۱- اشباع حرکات تحت تاثیر و به تقلید از زبان پهلوی
- ۶۰ ۸-۱- آوردن علامت جمع فارسی در پایان جمعهای مکسر عربی
- ۶۱ ۹-۱- استعمال کلمات با حرفهای زاید
- ۶۱ ۱-۹-۱- آوردن کلمات با همزه زاید
- ۶۲ ۲-۹-۱- بدل کردن حرفی به حرف دیگر
- ۶۲ ۱۰-۱- استعمال نام فارسی جهات چهارگانه
- ۶۳ ۱۱-۱- استعمال «زین» و «ازین» برای بیان جنس
- ۶۴ ۱۲-۱- آوردن ضمیر «ش» فاعلی برای سوم شخص مفرد
- ۶۴ ۱۳-۱- مطابقه صفت و موصوف و مسند و مسندالیه
- ۶۵ ۱۴-۱- تکرار جمله ها و کلمات
- ۶۶ ۱۵-۱- اضافه کردن حرف اضافه به اسم یا جانشین آن
- ۶۷ ۱۶-۱- استعمال فعل ماضی به جای مضارع محقق الوقوع و فعل مضارع به جای ماضی
- ۶۷ ۱-۱۶-۱- استعمال مضارع به جای ماضی
- ۶۷ ۲-۱۶-۱- به کاربردن ماضی به جای مضارع محقق الوقوع
- ۶۸ ۱۷-۱- استعمال فراوان کاف تصغیر در آخر کلمات
- ۶۸ ۱۸-۱- آوردن مشتقات و ترکیبهای غریب و تازه
- ۶۹ ۱۹-۱- به کاربردن الف تعدیه برای متعدی کردن فعلها
- ۷۰ ۲۰-۱- فعل و فاعل

- ۷۰-۱-۲۰-۱ آوردن فعل مفرد برای فاعل جمع
- ۷۱-۲-۲۰-۱ جمع آوردن فعل برای فاعل مفرد
- ۷۱-۳-۲۰-۱ مفرد آوردن فعل با «هریک» و «هرکس»
- ۷۱-۲۱-۱ استعمال صفت به معنی مصدر
- ۷۲-۲۲-۱ استعمال «اگر» به معنی «یا» و «مگر» به صورت ادات تردید به معنی «شاید»
- ۷۳-۲۳-۱ استعمال «آنک» در برابر «اینک»
- ۷۳-۲۴-۱ استعمال مصادر صناعی نظیر سازیدن، نثاریدن، غارتیدن
- ۷۴-۲۵-۱ تخفیف مشدد و تشدید مخفف
- ۷۴-۱-۲۵-۱ تشدید مخفف
- ۷۵-۲-۲۵-۱ تخفیف مشدد یا حذف کردن حرفی از کلمه
- ۷۶-۲۶-۱ خروج از وزن عروضی و برگزیدن بحرهای غریب و نامأنوس
- ۷۹-۲۷-۱ تکرار صامت ها و مصوت ها
- ۷۹-۱-۲۷-۱ تکرار صامت
- ۸۰-۲-۲۷-۱ تکرار مصوت
- ۸۱-۲۸-۱ تتابع اضافات
- ۸۲-۲۹-۱ استفاده بسیار از مضاف یا موصوفهای مختوم به «های» ناملفوظ با سکون «ها»
- ۸۲-۳۰-۱ سکون حروف متحرک
- ۸۳-۳۱-۱ ضمیر متصل به جای ضمیر منفصل
- ۸۳-۳۲-۱ استعمال یاهای شرطی، تردیدی، استمراری، تمنی و ترجی
- ۸۴-۳۳-۱ به کار بردن «سخت» به عنوان قید تاکید وصفی
- ۸۴-۳۴-۱ استعمال کلمه «صعب» به جای «سخت» به دلیل رواج آن در این دوران
- ۸۵-۳۵-۱ حذف دیگر اجزاء جمله از قبیل ضمیر، علامت جمع، فعل یا رابطه به قرینه
- ۸۶-۳۶-۱ آوردن دو حرف اضافه در پیش و پس مفعول غیر صریح
- ۸۶-۳۷-۱ استعمال «مر» در غیر مورد مفعول صریح

- ۸۷ ۳۸-۱- استعمال فعل «ماندن» به صورت متعدی
- ۸۷ ۳۹-۱- آوردن صفات عربی با یای مصدری به جای مصدر عربی
- ۸۷ ۲- صنایع لفظی و بدیعی
- ۹۰ ۲-۱- ابداع
- ۹۱ ۲-۲- ادب طلب
- ۹۱ ۲-۳- ارسال المثل
- ۹۲ ۲-۴- استعاره
- ۹۴ ۲-۵- اشتقاق (مقتضب)
- ۹۵ ۲-۶- اطناب
- ۹۷ ۲-۷- اغراق
- ۹۷ ۲-۸- التفات (تغییر شناسه فعل)
- ۹۸ ۲-۹- ایهام
- ۹۹ ۲-۱۰- تاکید
- ۱۰۰ ۲-۱۱- تجاهل العارف
- ۱۰۰ ۲-۱۲- ترجمه
- ۱۰۱ ۲-۱۳- ترصیع
- ۱۰۲ ۲-۱۴- تشبیه و انواع آن
- ۱۰۲ ۲-۱۴-۱- تشبیه تفضیل
- ۱۰۲ ۲-۱۴-۲- تشبیه محسوس به محسوس
- ۱۰۳ ۲-۱۴-۳- تشبیه مشروط
- ۱۰۴ ۲-۱۴-۴- تشبیه مضمَر
- ۱۰۴ ۲-۱۵- تضاد (تناقض)
- ۱۰۵ ۲-۱۶- تضمین
- ۱۰۷ ۲-۱۷- تعجب

۱۰۷	۱۸-۲- تفریق
۱۰۸	۱۹-۲- تقسیم
۱۰۹	۲۰-۲- تمثیل
۱۱۱	۲۱-۲- تنسيق الصفات
۱۱۱	۲۲-۲- جمع و تفریق
۱۱۲	۲۳-۲- جمع و تقسیم
۱۱۳	۲۴-۲- جناس و انواع آن
۱۱۳	۲۴-۲-۱- جناس خط
۱۱۳	۲۴-۲-۲- جناس زاید
۱۱۴	۲۴-۲-۳- جناس مرکب
۱۱۴	۲۴-۲-۴- جناس مضارعه
۱۱۵	۲۴-۲-۵- جناس مطلق (تام)
۱۱۶	۲۴-۲-۶- جناس مکرر
۱۱۶	۲۴-۲-۷- جناس ناقص
۱۱۶	۲۵-۲- حسن تعبیر
۱۱۷	۲۶-۲- حسن تعلیل
۱۱۸	۲۷-۲- حسن مطلع
۱۱۹	۲۸-۲- حسن مقطع
۱۲۰	۲۹-۲- حشو ملیح
۱۲۰	۳۰-۲- رد القافیه
۱۲۱	۳۱-۲- رد المطلع
۱۲۲	۳۲-۲- سؤال و جواب
۱۲۳	۳۳-۲- عکس
۱۲۴	۳۴-۲- لغز (چیستان)

۱۲۵	۲-۳۵- لف و نشر
۱۲۵	۲-۳۵-۱- لف و نشر مرتب
۱۲۵	۲-۳۵-۲- لف و نشر نامرتب
۱۲۶	۲-۳۶- مدح شبیه به ذم
۱۲۶	۲-۳۷- مدح موجه
۱۲۷	۲-۳۸- مراعات نظیر
۱۲۸	۲-۳۹- مطابقه (رد العجز علی الصدر)
۱۲۸	۲-۴۰- ملمع
۱۲۹	۲-۴۱- موازنه
۱۳۰	۳- قالب های شعری
۱۳۲	۳-۱- مثنوی
۱۳۳	۳-۲- قصیده
۱۳۵	۳-۳- غزل
۱۳۷	۳-۴- رباعی
۱۳۸	۳-۵- دوبیتی
۱۳۹	۳-۶- ترجیع بند و ترکیب بند
۱۴۱	۳-۷- ردیف
۱۴۳	۴- معانی و مضامین شعری
۱۴۵	۴-۱- مدح
۱۴۸	۴-۲- هجو و هزل
۱۵۰	۴-۳- پند و اندرز و حکمت
۱۵۲	۴-۴- توصیف
۱۵۵	۴-۵- اشعار عاشقانه
۱۵۷	۴-۶- مرثیه و یاد کردن از گذشتگان

- ۱۵۹ ۷-۴- داستانسرایی
- ۱۶۲ ۸-۴- حبسیه
- ۱۶۳ ۹-۴- واقع گرایی و انعکاس اوضاع جامعه در شعر
- ۱۶۶ ۱۰-۴- راه یافتن تصوف در شعر فارسی
- ۱۶۸ ۱۱-۴- حماسه و شعر حماسی
- ۱۷۲ ۱۲-۴- عشق به میهن و علاقه به ذکر آداب و رسوم و افتخارات ملی
- ۱۷۶ ۵- استفاده شاعران از معلومات علمی خویش در شعر
- ۱۷۷ ۱-۵- استفاده از آیات قرآن کریم و ترجمه یا درج آن در شعر
- ۱۷۹ ۲-۵- اشاره به حدیث ها، ضرب المثل ها و شاعران عرب
- ۱۸۰ ۳-۵- اصطلاح های فلسفه و دانشهای دیگر
- ۱۸۰ ۱-۳-۵- اصطلاحات فلسفی
- ۱۸۰ ۲-۳-۵- اصطلاحات نجوم
- ۱۸۱ ۳-۳-۵- اشاره به مباحث مختلف علوم طبیعی و پزشکی و اصطلاحات آن
- ۱۸۱ ۴-۳-۵- اصطلاحات موسیقی
- ۱۸۲ ۶- تاثیر شاعران این دوران و شعر ایشان در شعر دوره های بعد
- ۱۸۲ ۱-۶- اقتباس از شاعران دوران سامانی و تضمین شعر آنان
- ۱۸۴ ۲-۶- اقتباس از شاعران این عصر و نقل مضمون از ایشان
- ۱۸۶ نتیجه
- ۱۹۲ فهرست منابع و مآخذ

چکیده :

مهدی اخوان ثالث (م.امید) شاعری است نوپرداز که طبع و ذوقش سخت به شعر کهن گره خورده است و به خاطر همین پشتوانه غنی در شعر کلاسیک، در شعر نو نیز خوش می درخشد و با سرودن شعر معروف زمستان، شهرت و آوازه بی نظیری را به دست می آورد.

از ویژگیهای بارز شعرا، علاقه مفرط به اساطیر و حماسه و بر روی هم فرهنگ و اندیشه ایران پیش از اسلام است.

صلابت و سنگینی شعر خراسانی، زبان ادبی و روبه گذشته و در مجموع تخیل سرشار او از اشاره ها و سنت های حماسی و اساطیری کهن و علاقه ویژه اش به زبان حماسی و فکر فردوسی، سبک شاعری وی را متمایز می سازد؛ تا آنجاکه می توان از شیوه شاعری او تحت عنوان «سبک خراسانی نوین» یاد کرد. به تعبیر دیگر شعر اخوان، بهترین تجلی گاه پیوند مبانی سنتی شعر فارسی با بنیان های شعر نو است.

از این رو پژوهش حاضر برآن است تا با تعمق در شعر این شاعر معاصر، به شیوه ای روشمند و مقایسه ای، میزان حضور و چیرگی مختصات فکری و زبانی سبک خراسانی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.

کلید واژه:

اخوان ثالث، سبک خراسانی، ادب کهن فارسی، شعر کلاسیک، حماسه.

فهرست اختصارات:

۱. آخر: آخر شاهنامه
۲. اوستا: از این اوستا
۳. باغ: باغ بی برگی
۴. بدایع: بدایع و بدعتها و عطا و لقای نیما یوشیج
۵. پائیز: پائیز در زندان
۶. پیش: پیشگفتار
۷. حیاط: در حیاط کوچک پائیز در زندان
۸. دلیری: دلیری مالوانی
۹. دیدار: دیدار و شناخت م. امید که عنوان بخش دوم کتاب آقای طاهباز می باشد.
۱۰. سبک: سبک شناسی شعر
۱۱. کلیات: کلیات سبک شناسی
۱۲. کهن بوم: ترا ای کهن بوم و بر دوست دارم
۱۳. موج: مجلد
۱۴. ناگه: ناگه غروب کدامین ستاره
۱۵. ۴۵-۴۸: ۱۳۴۵-۱۳۴۸

مقدمه :

مهدی اخوان ثالث (م.امید) یکی از سرشناس ترین چهره های شعر معاصر است که با حضور چهل ساله خود در عرصه شعر و ادب، کارنامه درخشانی از خود به یادگار گذاشت.

اخوان ثالث آغاز شاعری خویش را با پیروی از شاعران بزرگ سبک خراسانی آغاز کرده و در قصیده و غزل و دوبیتی و رباعی طبع آزمایی نموده است. همین آشنایی با شعر کلاسیک و فنون آن و نیز تجربه در سرودن شعر در قالب های کهن است که زیربنای زبان و بیان شعرهای نو اخوان را پی ریزی می کند؛ زبان و بیانی که مهمترین خصیصه ممیزه شعر اخوان از دیگر شاعران معاصر است. زبانی که از یک سو ریشه در شعر کهن فارسی به ویژه سبک خراسانی دارد و از سوی دیگر ریشه در زبان معاصر و روزمره مردم عادی.

وی بر اثر ممارست و تدبیر در زبان و شیوه شاعران خراسان مهارتی خاص یافته است. آنچه آنکه در دوران تحول شعری نیز از نفوذ این شیوه رهایی نیافته است. البته علاقه وافر وی به این زبان و به خصوص به فردوسی، هم می تواند عاملی برای استمرار این زبان در شعر او باشد.

در دهه ۱۳۳۰ زمینه آشنایی او با جریان شعر نو فراهم می شود. اما در سالیان بعد که بهترین شعرهایش را در قالب نو نیمایی می سراید، باز به قوالب گذشته اعتقاد دارد و اصولاً معتقد است که قوالب شعر نقش چندانی در زیبایی یا نازیبایی شعر ندارند.

وی پس از آشنایی با شعر نو نیمایی و با استفاده از تجارب خود در سبک خراسانی شعر قدیم ایران، به آستی دادن شعر نو نیمایی با شعر گذشته فارسی همت می گمارد و با استفاده از زبانی سنت گرا و پرداخت شاعرانه معطوف به گذشته، شیوه جدیدی را در شعر نو نیمایی به وجود می آورد.

گفتنی است اخوان ثالث با آنکه از نیما یوشیج تأثیر فراوان پذیرفته بود، اما مکتب خراسانی هم که خود از آن دیار بود، ذهن و خاطرش را به شاعران کهن آن مکتب می کشانید و می کوشید زبان شاعران قرن ۴ و ۵ را احیا کند. بنابراین بین سال های سی و پنج و چهل دوشادوش تأثیرپذیری از نیما، شعر خود را غرق در زبان شعر مکتب خراسانی کرد و تلاشی پیگیر برای احیای زبان شعر قرن چهارم و پنجم به عمل آورد.

«اخوان ثالث نه تنها از طریق شعرهای به قول خودش قدمایی با کهن گرایان و از طریق شعرهای نو و نیمایی با نوگرایان موفق شد با حوزه وسیعتری از مخاطبان شعر ارتباط برقرار کند، بلکه توانایی او در هر دو ساخت قالبهای کهنه و نو سبب شد که کهن گرایان شعرهای نو او را و نوگرایان شعرهای سبک قدمایی او را با رغبت بخوانند و از این طریق به تدریج تضاد و جدال میان دو گروه به گونه ای منطقی و دور از تعصب تخفیف پیدا کند.» (پورنامداریان، ۱۳۷۰، باغ: ۲۰۴)

از همین روست که او را **کلاسیک ترین شاعر متجدد** در شعر معاصر فارسی می دانند. زیرا «با تکیه به سنت های گذشته زبان و آمیختن کلمات فراموش شده به زندگی امروز، زبان شعری تازه ای می آفریند که با فضای شعرش هماهنگی کامل دارد.» (فرخزاد، ۱۳۷۰، ناگه: ۸۱) بدین ترتیب زبانی غنی و خاص خود بوجود آورده که در میان شاعران معاصر نظیر ندارد. همین ویژگی است که موجب می شود شعر او از همان آغاز، در پیش خوانندگان و دوستداران شعر معاصر، جایگاهی خاص برای خود باز کند.

لذا در این اثر سعی شده است تا با کنکاش در آثار اخوان ثالث دریابیم که چه عناصر و عواملی موجب سبک خاص او (سبک خراسانی نو) گردیده است. همچنین روشن کنیم که تاثیرپذیری او از سبک کهن خراسانی به چه میزانی است و در هریک از مختصات زبانی، فکری و بدیعی تا چه حدی تحت تاثیر، نفوذ و جذبه این سبک بوده است.

به این منظور در فصل نخست به صورت اجمالی چگونگی پیدایش شعر نو و اوضاع شعر فارسی در دوره معاصر را مورد مطالعه و بررسی قرار داده ایم. در فصل دوم مهدی اخوان ثالث را به عنوان شاعری نوپرداز معرفی کرده، شرح حال مختصری از زندگی، احوال، ورود اولیه به میدان وسیع شعر و شاعری، زبان شعری و... را بدست داده ایم. در فصل سوم قبل از ورود به بحث اصلی به تعریفی از سبک، انواع و ویژگیهای آن در دوران سامانی و غزنوی پرداخته ایم و سرانجام در فصل چهارم که بخش اصلی این تحقیق محسوب می شود، پس از ذکر توضیحی کوتاه درباره سبک شخصی اخوان، موارد تاثیر سبک خراسانی در شعر او را مورد بررسی قرار داده ایم. در این بخش طبیعی است از آنجا که هدف اصلی ما پرداختن به سبک خراسانی و ذکر ویژگیهای آن است، منحصرأ به این سبک پرداخته و مختصات آن را ذیل شاخه های نشانه های کهنگی، صنایع لفظی و بدیعی، معانی و مضامین شعری و... قرار داده ایم. به

این ترتیب که در هریک از موارد یاد شده ابتدا توضیحی کوتاه و مختصر از اوضاع کلی آن مورد مثلاً معانی شعری آورده، سپس با توجه به آنکه هدف و مقصود ما این بود که تاثیرپذیری اخوان ثالث را از سبک خراسانی به شکلی مقایسه ای و تطبیقی نشان دهیم، نخست شعری از سبک خراسانی را به عنوان شاهد مثال آورده، پس از آن نمونه هایی از شعر اخوان ارائه نموده ایم.

شایان ذکر است که صنعت‌های شعری در قسمت صنایع لفظی و بدیعی به ترتیب الفبایی آمده است. در خاتمه نتایجی که از نوشتن این پایان نامه عاید نگارنده شده، به کتابت درآمد و در پی آن عمده ترین منابع و مآخذی که در این پایان نامه از آن‌ها استفاده شده بود، به صورت الفبایی نوشته شد.

بنده و مرید عشقیم، برگیر موی ما را

جانا قبول گردان این جستجوی ما را

فصل اول:

پیدایش شعر نو و اوضاع آن در دوره

معاصر

۱- شعر فارسی در دوره معاصر

«یکی از مهمترین ویژگی‌های ادبیات معاصر ایران، پیدایش شیوه‌ای نو در شعر و تغییر بنیادین ارکان آن است. در آخرین دهه قرن سیزدهم هجری شمسی گروهی از صاحب‌نظران و شاعران علیه قواعد و اصول سنتی شعر فارسی قیام کردند و گام‌هایی در جهت تغییر و تحول بنیادین آن برداشتند. آن‌ها با انتشار آراء و عقاید خود در دو نشریه «آزادستان» و «تجدد» نخستین حرکت را در جهت ایجاد تغییر و تحول شعر فارسی آغاز کردند. سپس نیما با انتشار «افسانه» و اشعار دیگر، شعر نو را متفاوت با شعر سنتی و اصول و قواعد آن بنیان نهاد و به ادبیات معاصر ایران امتیاز و ویژگی مهمی بخشید.

این ویژگی، با تازگی و طراوت و لطف خاص خود در برابر اصول و قواعد سنتی که یک هزار سال بر شعر فارسی سایه افکنده بود، قد علم کرد. اما با ظهور شیوه نو، شیوه سنتی به دست فراموشی سپرده نشد و ارزش و اعتبار آن کاهش نیافت. زیرا این بنای عظیم که ذوق و قریحه نوابغی چون فردوسی، سعدی، حافظ، خیام، نظامی و مولوی بدان صلابت و استحکام بخشیده است، در برابر هیچ پدیده‌ای آسیب‌پذیر نیست.

باید دانست که با پیدایش شیوه نو، دوران اقتدار شعر کهن به پایان نرسید و چنانکه می‌بینیم در کنار شعر نو و شاعران نوپرداز گویندگان گرانقدری چون ملک‌الشعرا بهار، ایرج میرزا جلال‌الملک، پروین اعتصامی، رهی معیری و حتی گویندگان جوان، از شعر کهن پاسداری کرده، آن را استوار و پابرجا نگهداری نموده‌اند.

بنابراین می‌توان شعر فارسی امروز را به دو گروه تقسیم کرد که عبارت است از شعر سنتی و شعر نو. به همین مناسبت شاعران معاصر را نیز باید در دو گروه کهن‌سرایان و نوسرایان معرفی کرد. چرا که برخی از کهن‌سرایان معاصر، شعر نو و شاعران نوگرا را نفی نکرده، حتی خود نیز در شیوه نو طبع‌آزمایی نموده‌اند. مانند لاهوتی، شهریار، سیمین بهبهانی و چند تن دیگر. اما برخی دیگر از این گروه، در اصل با شعر نو مخالف بوده، آثاری از این دست را به هیچ عنوان شعر نمی‌دانند و حتی از توهین و ناسزا به نوسرایان خودداری نکرده، آن‌ها را مصروع، یاوه‌سرا و هذیان‌گو معرفی کرده‌اند. مهدی حمیدی و مظاهر مصفا از مخالفان سرسخت شعر نو در گروه سنتی‌سرایان هستند.

از سوی دیگر بعضی از نوسرایان نه تنها با سرودن شعر به سبک متقدمین در دوران معاصر مخالفتی ندارند، بلکه خود نیز اشعار زیبایی بدان شیوه سروده و توانمندی، مهارت و علاقه خود را به این شیوه نشان داده‌اند. فروغ فرخزاد، اخوان ثالث، یدالله رؤیائی و تعداد دیگری از نوسرایان در این گروه جای دارند.

مطالعه در آثار شاعران معاصر نشان می‌دهد کسانی که سرودن شعر را با شیوه سنتی آغاز کرده و مدت‌ها در آن ممارست داشته‌اند، همچون نیما، توکلی، نادرپور، اخوان ثالث، فرخزاد، مشیری و چند تن دیگر، نوسرایان موفق زمان ما بوده و در زمره شاعرانی قرار خواهند داشت که نام و اشعارشان در آینده تاریخ ادبیات ایران ثبت خواهد شد.» (حاج سیدجوادی، ۱۳۸۲: ۲۶۵، ۲۷۳، ۳۱۲)